**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه چهارم\_7 مهر 1398**

چون برای ما بسیار مهم است که بدانیم آیا شیخ اعظم مثل مشهور قائل است به انفتاح باب علمی یا مثل میرزای قمی قائل است به انسداد و یا انچه که ما خواهیم گفت ان شاء الله و ان این است که مختار شیخ چیزی غیر از این دو است. نه انفتاحی محض ونه انسدادی. این بسیار مهم است چون ادله را باید در نظر گرفت بعد کلمات مختاف مرحوم شیخ را ملاحظه کرد. یکی از بزرگوارانی که بارها تصریح فرموده است به این که شیخ اعظم، متمایل به مسلک انسداد است، حضرت آقای شبیری زنجانی دامت برکاته است.

درس 61 ، 16 فروردین 96؛ ایشان به بیان ما دو قرینه را کنار هم قرار می دهد که انسدادی بودن شیخ را تبیین کند، یک قرینه این است که شیخ اعظم چهار مقدمه انسداد بیان فرموده است در سه مقدمه بعدی بحث و گفت و گو زیاد است ولی در مقدمه اول که به تصریح خود شیخ مهمترین مقدمه انسداد است و اگر تثبیت شود، انسداد ثابت می شود، جازمانه نه نفی فرموده است و نه صراحتا هم اثبات.

قرینه دوم این بزرگوار هم ان عبارتی بود که دیروز از ص 443 رسائل بیان کردم و ان این بود که شیخ مبنایش این است که خبر واحد وقتی حجت است که اطمینان آور باشد و به تصریح ص 443 اطمینان نادر الوجود است. وقتی شما این دو مطلب را کنار هم قرار می دهید پس می گویید شیخ متمایل به انسدادی است. می فرمایند مرحوم شیخ می خواهند بفرمایند اخبار اطمینانی به مقداری نیست که جواب گوی معظم فقه باشد. در جایی در بحث انسداد، می فرمایند این که در باره یک امری در زمان ما اطمینان حاصل شود در غایة قلت است و این سبب شده بود ما به انسدادی شدن شیخ اطمینان پیدا کنیم . علت این که شیخ صراحتا این مطلب را بیان نفرموده است این بوده است که نخواسته اند به خاطر احتیاطی بودن وارد منازعه انسدادی و انفتاحی شود ما دیده ایم که ایشان در امور فتنه انگیز وارد نشده است.

این آن توضیحی که ما لازم بود بیان کنیم از کلام آقای شبیری.

اما امروز من عباراتی را می آورم که یک مقدار انسان را به تامل وا می دارد که بتوانیم بگوییم مرحوم شیخ همانند میرزای قمی انسدادی است.

اول از میرزا شروع کنیم ایشان در ج 2 قوانین، ص 446 یک مطلبی دارد که شما ممکن است بگویید انچه دیروز از شیخ گفتیم همین عبارتی است که میرزا دارد با یک تغییری در عبارت اما خبر الواحد فقد عرفت انّه لا دلیل علی وجوب العمل به اذ اقوی ادلته الاجماع و هو علی فرض تسلیمه لا یثبت الا حجیته فی الجمله و فی زمان خاص و فی نوع خاص.

نه هر خبری و نه هر جا، نه هر زمانی

اذ حجیته فی الاعصار المتاخره عن زمان الصحابه غیر معلوم

حجیت خبر واحد برای کسانی که زمانشان زمان ائمه و اصحاب است درست می شود اما برای ما نه.

و کذلک القدر المسلم منه خبر العادل (ثقه شیعه) و المسلم منه العادل المعلوم عدالته و المسلم منه ما لم یعارضه مثله

ص 448:

مع انّه ان لم اقل بامتناع وجوده

اگر نگویم این خبر در زمان ما ممتنع الوجود اس تفی اخبارنا

فهو فی غایة الندرة

شما عبارت دیروز شیخ را با این عبارت کنار هم قرار بدهید ممکن است بگوید شیخ هم همین را می گوید منتها باید چند عبارت دیگر هم ملاحظه شود. من اخر بحث به این نتیجه خواهم رسید که شیخ اعظم ان انسدادی که میرزا تفسیر می کند نیست و بینهما فرق.

یک عبارت دارد رسائل ج 1 ص 494 و یک عبارت هم اواخر 495:

در 494 اوایل صفحه می گوید ظنون مظنون الاعتبار غیر کافیة چون باید اخبار صحیحه ایی باشد که مذکی به تذکیه عدلین باشدو این ها در بین اخبرا ما نادر است که هر کدام از این روات تذکیه به دو نفر شده باشند. عبارت ادامه دارد. صفحه 495 این حرف را جواب می دهد واین حرف خود شیخ است:

انّه مبنی علی زعم کون مظنون الاعتبار منحصرا فی الاخبر الصحیح بتزکیة عدلین

این آقا خیال کرده است ظن معتبر خاص، فقط در روایتی است که صحیحه باشد و تمام رواتش به تزکیه دو نفر باشد و ما دیگر ظن خاصی نداریم و این ها هم کافی برای معظم فقه نیست. ولیس کذلک بل الامارات الظنة من الشهرة و ما دل علی اعتبار قول الثقة مضافا الی ما استفید من سیرة القدماء فی العمل بما یوجب سکون النفس من الروایات،

صحیح قدمائی کدام است ان است که انسان اطمینان به صدور پیدا کند ولو سند موثق هم نباشد.

و فی تشخیص احوال الرواة

یعنی در علم رجال یک قرائنی داریم که لازم نیست همه جا با تزکیه عدلین کار کنیم خیلی از روایت را که با دو نفر تزکیه نشده اند بلکه فقط یک نفر بوده است ما قبول می کنیم.

همه این امارات ظنیه

بل الامارات الظنیه .. توجب الظن القوی (که همان اطمینان است) بحجیة خبر الصحیح بتزکیة عدل واحد و الخبر الموثق و الخبر المنجر بشهرة من حیث الروایة و من المعلوم کفایة ذلک و عدم لزوم محذور من الرجوع فی مواردِ فقد تلک الامارت الی الاصول.

ص 507 و 508:

و بالجملة فدعوی کثرة الظنون الاطمئنانیة فی الاخبار و غیرها من الامارات -بحیث لا یحتاج الی ما دونها و لا یلزم من الرجوع فی الموارد الخالیه عنها الی الاحتیاط معذورٌ و ان کان هناک ظنون لا تبلغ مرتبة الاطمئنان- قریبة جدا

الا انه یحتاج الی مزید تتبع فی الروایات و احوال الروات و فتاوی العلماء.

و کیف کان فلا اری الظن الاطمئنانی الحاصل من الاخبار و غیرها من الامارات اقل عدداً من الاخبار المصححة بعدلین بل لعل هذا اکثر.

تقریرات شیخ اعظم، مطارح الانظار ج 3، ص 180 به قلم آمیرزا ابوالفضل تهرانی:

اما انسداد باب علم الشرعی فهو موکول الی ما سبق فان قلنا بحجیة اخبار الآحاد کما هو المشهور بین اصحابنا بل مخالفینا ایضا فلا شبهة فی انفتاح باب العلم علی هذا الفرض و ان قلنا بعدم حجیتها لعدم وجود دلیل علیها فالانسداد الاغلبی(یعنی معظم الاحکام) مما لا یدانیها ریب. و اما علی ما نراه من اعتبار الاخبار الموثوق بها فهو موکول علی حصول الوثاقة فربما یحصل الوثاقة لاحد دون غیره لاعتماده علی القرائن الموجوده الخفیه الغیر الظاهر دلالتها فهو فی المقام کالقطاع فی مقامه فباب العلم الشرعی علی تقدیره(بر تقدیر وصول ) منفتحا و ربما لا یحصل الوثاقة الا فی اقل من الموارد او فی جملة کثیر منها لکنّه لا یبلغ حد الانفتاح، فالانسداد علی تقدیره غیر خفی.

ما باید آن توضیحات دیروز با عباراتی که امروز خواندم ضمیمه کنیم. ص 437 مطالعه کنید تا 443 برایتان معلوم بشود.

ادامه بحث ان شاء الله جلسه بعد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.